



Rethinking Safavid Studies: Early Stages, Current Situation and Future Vision

Mansur Sefatgol¹

Professor, Department of History, University of Tehran

Received: July, 7, 2021; Accepted: August, 2, 2021

(pp. 93-116)

Abstract

The development of Safavid studies in the contemporary period raises the need to evaluate and review researches in this field from the rise of Safavid studies until now. Safavid studies was a deep-rooted and at the same time important effort to know Iran in the 10th to 12th AH/16th to 18th centuries. This effort was on the one hand a reflection of Iranian scholars researches and on the other hand the achievement of Iranologists, especially Western and Europeans. This paper tries to identify and introduce examples of research in this field while pointing to the early stages of Safavid studies and classifying its basic periods, and to pay attention to the views on the developments in Iran during the Safavid era. Safavid studies can be divided into two major categories, Iranian and non-Iranian. Iranian researches on this subject began in the Safavid era, but in fact in later periods, and especially in contemporary Iranian historiography found a worthy place. The most important part of Safavid studies is the contribution of Europeans and then American scientific centers and Iranologists. There is also an indication to the research shortcomings of this issue, suggestions for expanding the fields of Safavid studies and attention to the use of Iranian historical documents, epistles, and sources, the need to pay attention to European and Western visual sources, especially historical maps and paintings and attention to Iranian maritime history. Safavid era and rethinking in the concept of the Iranian world is another part of the current study.

Keywords: Iran, History, Safavids, Safavid Studies, Safavid Scholars, Persian world.

1. Email of Author: sefatgol@ut.ac.ir

بازانديشی در پژوهش‌های صفویه‌شناسی: پیشینه، اکنون، چشم‌انداز

منصور صفت‌گل^۱

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۹۳ تا ص ۱۱۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

علمی-پژوهشی

چکیده

گسترش افق‌های صفویه‌شناسی در دوره معاصر، ضرورت ارزیابی و بررسی پژوهش‌های این عرصه را از آغاز تا کنون مطرح می‌سازد. صفویه‌شناسی کوششی ریشه‌دار و در عین حال پراهمیت برای شناخت ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری بود. این کوشش از یکسو بازتاب تحقیقات ایرانی و از سوی دیگر دستاورد ایرانشناسان به ویژه ایرانشناسی اروپایی غربی بود. بررسی کنونی می‌کوشد تا ضمن اشاره به مراحل آغازین صفویه‌شناسی و دسته‌بندی ادوار اساسی آن، نمونه‌هایی از تحقیقات این عرصه را شناسایی و معرفی و به دیدگاه‌های مندرج در آنها درباره تحولات ایران در این دوره توجه کند. صفویه‌شناسی به دو دسته بزرگ ایرانی و غیرایرانی قابل تقسیم‌بندی است. تحقیقات ایرانی پیرامون این موضوع از همان دوره صفویه آغاز شد اما در واقع در دوره‌های پس از آن و به‌ویژه در تاریخ‌نویسی معاصر ایران جایگاهی در خور یافت. مهم‌ترین بخش صفویه‌شناسی، تحقیقات غیرایرانیان به‌شمار است که سهم اروپاییان و سپس مراکز علمی و ایرانشناسان آمریکا در آن چشم‌گیر است. پس از این بررسی، و اشاره به کمبودهای پژوهشی این موضوع، پیشنهادهایی برای گسترده ساختن عرصه‌های صفویه‌شناسی و توجه به استفاده از اسناد و مکتوبات و منابع ایرانی، لزوم توجه به منابع تصویری اروپایی و غربی بخصوص نقشه‌ها و تابلوهای نقاشی، توجه به تاریخ دریایی ایران عصر صفوی و بازانديشی در مفهوم جهان ایرانی این دوره بخش دیگری از بررسی کنونی را تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ایران، تاریخ، صفویه‌شناسی، صفویه‌شناسان، جهان ایرانی، ایرانشناسی.

۱. مقدمه

با اینکه در چند دهه اخیر پژوهش‌های ایران‌شناسی رونق یافته‌اند اما هنوز موضوع‌ها و عرصه‌های تحقیق نشده بسیاری هستند که برای تدوین تاریخی به نسبت همه سویه از ایران عصر صفوی می‌باید بررسی شوند. از سوی دیگر گرچه هنوز پژوهش‌هایی درباره این روزگار انجام می‌یابد اما به نظر می‌رسد صفویه‌شناسی نیز مانند ایران‌شناسی به‌طور عام کم‌کم دچار تنگناهایی می‌شود. پژوهش‌های صفوی در خارج از ایران گویا به پیروی از جریان بزرگ ایران‌شناسی محدود می‌شوند و گرچه نسلی نو در تحقیقات صفویه‌شناسی ظهور کرده که تگ‌نگاری‌های سودمندی انجام داده است اما این تحقیقات شاید از وضع زمانه و اکنون ایران‌شناسی تأثیر پذیرفته است. وضعی که باید امیدوار بود با پشتیبانی‌های جدی در ایران و خارج از ایران بار دیگر صفویه‌شناسی را رونق بخشد.

ایران دوره صفوی از دیدگاه مجموعه تحولات اهمیتی اساسی دارد. زیرا دولت صفوی معرف شرایط نسبتاً جدیدی در ایران بود. این دولت و بنیان‌گذاران آن در عرصه‌هایی از دولت‌های پیشین کاملاً متفاوت بودند و در مواردی نیز با آنان شباهت داشتند. همانندی‌ها بازتاب استمرار ایران و تفاوت‌ها نشان‌دهنده دگرگونی‌هایی بود که در این دوره رخ داد. همین ویژگی‌ها سبب می‌شود تا برای فهم تحولات جامعه ایرانی از قرن دهم هجری قمری به بعد، شناختن ایران عصر صفوی اهمیت پیدا کند. صفویان میراث تمدنی و فرهنگی جامعه ایرانی پیش از خود را به ارث بردند، بخشی از آن را تغییر دادند و در جاهایی عناصری جدید به آن افزودند. مهم‌ترین ویژگی صفویان این بود که برخلاف وضع رایج سیاسی در ایران سده‌های چهارم هجری به بعد، آنان خاستگاه قبیله‌ای نداشتند و عضو هیچ یک از ایلات و قبایل شناخته شده روزگار خود نبودند. صفویان ریشه در جامعه شهری ایران داشتند و خاستگاه آنان مناسبات شهری در چارچوب کارکرد خانقاهی بود که خود پدیده‌ای شهری به‌شمار می‌رود. صفویان بر مبنای سنت جامعه شهری ایرانی کوشیدند تا ایران را اعاده کنند و برای این منظور از شبکه‌ای از مریدان در طریقت صفوی بهره بردند. شمار قابل‌توجهی از این مریدان شهرنشینان ایرانی بودند و صفویان برای دستیابی به اهداف خویش از نیروی مریدان کوچرو، به خصوص قبایلی که قزلباش نامیده شدند نیز به خوبی استفاده کردند. به نظر می‌آید در پژوهش‌های صفویه‌شناسی نقش و تأثیر این عناصر قبیله‌ای به خوبی بررسی

نشده و شاید صفویه‌شناسان مسامحتی درباره میزان تأثیر آنان به خرج داده و گاه نیز در این موضوع مبالغه‌ای صورت گرفته که نیازمند بازبینی است. این مبالغه در تاریخ‌نگاری معاصر ترکیه بیشتر به چشم می‌خورد (سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در روی کار آمدن صفویان، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، گستره، ۱۳۷۱: ۱-۳-۷-۸-۱۱-۲۴۱). به این ترتیب ساختار سیاسی و فرهنگی ایران دوره صفوی مجموعه‌ای از تحولات گاه عمیق در جامعه ایرانی ایجاد کرد که دامنه تأثیر نفوذ آن حتی تا روزگار ما نیز کشیده شده است. صفویه‌شناسی شاخه‌ای از ایران‌شناسی است و جهان صفویه‌شناسی^(۱) بخشی از جهان بزرگ ایران‌شناسی را دربر می‌گیرد. بنابراین هر دیدگاه و نظریه‌ای درباره ایران‌شناسی کاربرد داشته باشد، برای مطالعات و تحقیقات مربوط به ایران عصر صفوی نیز کاربرد دارد. از آنجا که هنوز یک ارزیابی همه‌سویگر درباره ایران‌شناسی صورت نگرفته است، پژوهش‌های صفوی نیز چنان که باید و شاید بررسی نشده‌اند. این مطلب از آن رو اهمیت دارد که توجه شود دگرگونی‌هایی که در زمینه‌های گوناگون حیات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در عصر صفوی رخ داد، به ژرفی بر جامعه ایرانی گذاشت. دامنه این تأثیرات حتی تا روزگار ما به‌خوبی قابل بررسی است و دگرگونی‌های دوره جدید تاریخ ایران نتوانسته است آن تأثیرات را به‌طور کلی کم‌رنگ کند. در این بررسی تلاش می‌شود تا جریان همگانی پژوهش‌های صفویه‌شناسی در ایران و دیگر کشورها مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲. دسته‌بندی پژوهش‌های صفویه‌شناسی

برای بررسی بهتر تحقیقات مربوط به ایران عصر صفوی می‌توان آنها را در دو گروه ایرانی و غیرایرانی دسته‌بندی و مورد پژوهش قرار داد. به نظر می‌آید در هر دو گروه از لحاظ رویکرد و نیز دوره‌بندی همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی دیده می‌شود. هر دو گروه یادشده از لحاظ سیر زمانی تقریباً به موازات هم پیش رفته‌اند و از فراز و نشیب‌های مربوط به تحولات حوزه‌ای که این بررسی‌ها در آنها انجام شده است، تأثیر پذیرفته‌اند. واقعیت این است که صفویه‌شناسی به معنای خاص آن، بیشتر در بیرون از مرزهای صفویان و ایران شکل گرفته است. از همان آغازین سال‌های فرمانروایی صفویان به دلیل تحولات چشمگیر، مخصوصاً در حوزه اروپایی و نیز به دلیل ورود ایران به عرصه مناسبات منطقه‌ای و جهانی، ایران عصر صفوی یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه غربیان شده بود. حجم آثاری که درباره ایران عصر صفوی در انواع گوناگون آثار مکتوب

این دوران تحریر شده، نشانگر همین توجه و اهمیت است. طی این دوران، اروپاییان افزون بر نشان دادن گرایش تدریجی به شناخت جنبه‌های گوناگون مسائلی که اینک از آن به ایران‌شناسی تعبیر می‌شود، به شناخت جامعه صفوی توجه کردند. شاید بتوان گفت که در واقع نخستین صفویه‌شناسان اروپایی، همان جهانگردان و دیگریانی بودند که مشاهدات و مطالعات خویش را درباره ایران عصر صفوی تألیف کردند و به برکت صنعت چاپ، این آثار را به تعداد زیاد برای استفاده خوانندگان جامعه اروپایی منتشر ساختند. مسافران اروپایی را می‌توان نخستین نسل صفویه‌شناسان در نظر گرفت. در فاصله سده دهم تا دوازدهم هجری قمری شمار قابل توجهی از نگاشته‌های اروپایی در زبان‌های مختلف تألیف و منتشر شدند که اینک می‌توان آنها را سنگ‌بنای تحقیقات بعدی صفویه‌شناسی در نظر گرفت. در این آثار وجوه گوناگون تاریخ، فرهنگ، سیاست، مذهب، زندگی اجتماعی و اقتصادی و شیوه‌های گوناگون معیشت جامعه ایرانی عصر صفوی توصیف شده‌اند. در این آثار افزون بر بررسی و توصیف شهر و جامعه عصر صفوی، مسائل عمومی تاریخ ایران هم در دوره صفوی و هم در دوره پیشاصفوی مطرح شده‌اند. افزون بر منابع مکتوب، اروپاییان شماری از منابع تصویری شامل نقشه‌های با ارزش و تابلوهای نقاشی از سیمای شهرها، راه‌ها، روستاها و طبقات گوناگون اجتماعی تولید کردند که به همراه کتاب‌ها و مقالات گنجینه‌ای از اطلاعات برای پژوهش‌های صفویه‌شناسی به شمارند. به نظر می‌آید در همین دوره برای نخستین بار می‌توان از بازتاب اخبار ایران در روزنامه‌های غربی نیز سخن گفت.

می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مطالعات اولیه مربوط به صفویان برای اروپاییان، آشنایی با رویه دیگری از اسلام بود. اروپا به دلیل رویارویی با دنیای اسلام از هنگام جنگ‌های صلیبی و پس از آن مسأله عثمانیان، تصویری که از اسلام داشت، همان مذهب رایج نزد جوامعی بود که با آنها رویارو شده بود. مهم‌ترین ویژگی آثار اروپایی مربوط به صفویان، افزایش دانش آنان درباره تشیع و روند تحولات آن بود. این امر بعدها رونق بیشتری یافت و موجب تغییر در بررسی‌های مربوط به ادیان در دانشگاه‌های اروپایی شد. گرچه میزان شناخت و بررسی زوایای دقیق این پدیده جدید توسط اروپاییان قابل تأمل بیشتری است.

به نظر می‌آید در دوره پس از سقوط صفویان تا هنگام شکل‌گیری مجدد تحقیقات مربوط به ایران در اروپا، نوعی گسست در مطالعات صفوی اروپایی دیده می‌شود. گرچه

سقوط سلسله صفوی که اروپا پیوندی تنگاتنگ با آن داشت، حادثه‌ای چشمگیر به‌شمار می‌رفت و در همان هنگام حتی تحقیقاتی درباره علل آن براساس مشاهدات پاره‌ای از اروپاییان ساکن ایران نشر داده شد. با این همه تا سده نوزدهم میلادی، ارجاع دوباره به ایران عصر صفوی چندان جایی در تحقیقات اروپایی مربوط به ایران نداشت بلکه بیشتر در ضمن نگاشته‌های مربوط به ایران در دوره افشاریان و زندیان مطرح بیشتر به دوره‌های بعد مخصوصاً عصر قاجار توجه می‌شد.

دوره بعدی مطالعات صفویه‌شناسی به تاریخ معاصر مربوط می‌شود. این دوره را می‌توان به دو دوره پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن تقسیم کرد. به نظر می‌آید سقوط صفویان و روی کار آمدن چند سلسله از جمله قاجاریه و رویدادهای پس از آن تا اندازه‌ای قابل توجه بر بررسی‌های صفوی تأثیر گذاشتند. در عهد قاجار شاید با رویکردی از رقابت و حسادت با عهد صفوی، قاجارها مجال چندان برای توجه به صفویه ایجاد نمی‌کردند. با اینکه نخستین فرمانروایان قاجار می‌کوشیدند تا خود را ادامه صفویان و به تلویح وارث آنان معرفی کنند اما سایه سنگین مشروعیت صفویان به ویژه از دیدگاه مذهبی و خاطره حکمرانی دوره‌های شکوه صفویان سبب واکنش‌هایی نسبت به آنان می‌شد. در سده سیزدهم/نوزدهم هنوز بخش قابل توجهی از میراث شهرسازی، معماری و عمرانی عهد صفوی که از چپاول‌های پس از فروپاشی صفویه سالم مانده بود، وجود داشت. این سخن به معنای بی‌توجهی آنان به این دوره نیست.^(۲) در نخستین نمونه‌های اروپایی عهد قاجار درباره تاریخ ایران از جمله کتاب سرجان ملکم به تفصیل به دوره صفویه پرداخته شده است (ملکم، جان، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، ۱۳۶۲: ۱۰۷/۱، ۳۰۷). به نظر می‌آید کسی که روایات تاریخی را برای ملکم نوشته است در توصیف متن مربوط به دوره صفوی دچار ابهامی بوده است. او نوشته است «در زبده/التواریخ تالیف محمد کمال ابن اسمعیل که یکی از صاحب منصبان معتبر شاه عباس ثانی است و در این اوراق، اخبار اوایل این طبقه از آن کتاب مأخوذ است» (همان: ۲۳۳). اگر منظور *تاریخ ملا کمال* باشد او پسر ملا جلال منجم یزدی بود.

گرچه در همین متن یکی از نخستین مشهورات و بنابراین اشتباهات صفویه‌شناسی درج شده است. ملکم به دوره چیرگی افغان‌ها بر اصفهان به عنوان «تسلط و تغلب افغانه در ایران» داده است و آغاز جلد دوم کتاب را «در بیان پادشاهان افغان که در ایران سلطنت کرده اند...» (همو، همان: ۱-۲-۴). آورده است. این توصیف نادرست مبنای

طرح نظریه‌ای مشهور و موثر بر تحقیقات صفویه‌شناسی اروپایی و غربی تاکنون شده است. در همه این پژوهش‌ها یک مطلب مهم نادیده گرفته شده است و آن اینکه قندهار و بنابراین شورشیان قندهاری بخشی از قلمرو و رعایای دولت ایران به‌شمار می‌رفتند و دولت ایران هرگاه نیاز بود بر پیوستگی قندهار به ایران تاکید می‌کرد (خوزانی‌اصفهانی، فضلی، افضل التواریخ، جلد سوم، نسخه خطی شماره Ms.DD.5.6 کتابخانه دانشگاه کمبریج، برگ 35-430) پژوهش‌های اروپایی سده سیزدهم /هجدهم پس از سلطه بریتانیا بر هندوستان، مبنایی هندی نیز پیدا کرد و آنان به گستردگی از متون و منابع تاریخی و ادبی فارسی هندوستان بهره برداری کردند. از همین‌رو است که پاره‌ای از مهم‌ترین متون تاریخی روزگار صفویه توسط بریتانیایی‌ها و همکاران هندی آنان در هندوستان تصحیح و چاپ شدند. انتشار /حسن /التواریخ به تصحیح چارلز نارمن سدن نمونه‌ای از این کوشش‌ها است. انتشار شماری از متون فارسی در رشته انتشارات موقوفه گیب در لندن به سرپرستی ادوارد براون و جانشینان او نیز اهمیت دارند.

صفویه‌شناسی اروپایی شاخه‌های گوناگونی دارد. از آنجا که کشورهای مختلف اروپایی با انگیزه‌ها و زمینه‌های مختلف به تحقیقات ایرانی می‌پرداختند، تحولات داخلی این کشورها، مناسبات بین‌المللی و حتی شرایط جهانی بر تحقیقات اروپاییان تأثیر می‌گذاشت. سده بیستم میلادی دوران شکل‌گیری جریان‌های مختلف صفویه‌شناسی در اروپا و سپس گسترش آن به سایر مناطق غربی مخصوصاً ایالات متحده آمریکا بود. در نیمه اول سده بیستم میلادی دست‌کم دو حوزه عمده تحقیقات صفویه‌شناسی در اروپا را می‌توان در انگلستان و آلمان سراغ گرفت. انگلستان تحت تأثیر عقب‌نشینی تدریجی از مستعمرات پیشین و مخصوصاً جریان استقلال هندوستان انگیزه‌های قوی ایران‌شناسی قبلی خویش را کم‌کم از دست می‌داد.^(۳) البته مطالعات ایرانی و تحقیقات صفویه‌شناسی در چند مرکز محدود دانشگاهی به‌ویژه در کمبریج و دانشگاه لندن تحت تأثیر براون و مینورسکی انجام می‌شد. پژوهش‌های لارنس لکهارت نیز از جمله همین فعالیت‌ها به‌شمارند. هم‌زمان با آن در آلمان نیز مورخانی چون والتر هینتس و رویمر و شاگردان آنها مانند رهر برن تحقیقاتی بدیع درباره ایران عصر صفوی ارائه کردند.

تحقیقات صفویه‌شناسی غربی در سده بیستم تحت تأثیر جریان عمده جنگ جهانی و شکل‌گیری آرایش جدید سیاسی در جهان واقع شده است. یکی از مهم‌ترین خصوصیات این دوران، ظهور آمریکا به‌عنوان قدرتی برتر در عرصه جهانی بود. به نظر می‌رسد همین موضوع بر تحقیقات صفویه‌شناسی در غرب تأثیر گذاشته است؛ گرچه

این سخن بدین معنا نیست که اروپا دلبستگی خویش به تحقیقات صفوی را از دست داده است.

با گسترده‌تر شدن قدرت و نفوذ آمریکا در ایران پس از جنگ جهانی دوم، جریان دانشگاهی و تحقیقی در ایران با مراکز دانشگاهی آمریکایی پیوند بیشتری برقرار کرد. در خود آمریکا نیز پرداختن به جنبه‌های مختلف تاریخ و فرهنگ ایران رونق بیشتری یافت. افزایش چشمگیر دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا و از جمله در حوزه علوم انسانی نیز سبب توجه بیشتر به این موضوع شد. بنابراین می‌توان گفت که یک جریان مهم تحقیقات صفویه‌شناسی نیز در آمریکا شکل گرفت که تا حدود زیادی از نظریه عمومی تحقیقات در حوزه علوم انسانی در دانشگاه‌های آمریکایی تأثیر پذیرفته است. نفوذ الگوی وبری و سپس انتقال روش‌شناسی مکتب آنال به آمریکا به تقویت این جریان کمک کرد. به این ترتیب حتی شماری از متخصصان اروپایی تحقیقات صفوی از اروپا به آمریکا رفتند و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی آنجا به تدریس و تحقیق پرداختند. هم‌اینک شماری از مشهورترین محققان صفویه‌شناس در دانشگاه‌های آمریکا و یا مراکز علمی آن به‌کار مشغول‌اند. درحالی‌که در اروپا شمار محققان مربوط به عهد صفوی مانند گذشته چشمگیر نیست.

تحقیقات تاریخی صفویه‌شناسی در آمریکا تحت تأثیر بنای تحقیق بر نظریه قرار دارند که تأثیر ماکس وبر و دیگر نظریه‌پردازان جامعه‌سرمایه‌داری در آن آشکار است. این نظریه‌ها منجر به پرداختن به زوایای جدیدی درباره تاریخ ایران عصر صفوی شده است؛ توجه به مؤسسات و نهادها، اقتصاد، تجارت، زندگی اجتماعی و تحولات فرهنگی و مذهبی از عمده‌ترین عرصه‌های جدید تحقیقات صفوی است که گرچه هم‌تایان اروپایی نیز دارد، اما محل رونق آنها بیشتر آمریکا است. آثار محققانی چون ویلم فلور،^(۴) رودی ماتی،^(۵) کاترین بابایان،^(۶) میشل مزاولی^(۷) و شعله کوئین^(۸) در این گروه قرار می‌گیرند. یک جنبه چشمگیر تحقیقات صفوی در غرب که از وقوع انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است، پرداختن به تاریخ مذهبی ایران عهد صفوی است که اینک از زمینه‌های پررونق تحقیقاتی به‌شمار می‌رود.^(۹) یک بررسی درباره منابع پژوهش در این دوره و در ضمن آن درباره تحقیقات مذهبی این دوران صورت گرفته است (صفت‌گل، منصور، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری*، رسا تهران، ۱۳۸۱: ۳۶-۵۵) تازگی تاریخ فرهنگی و ادبی ایران این دوره از منظر پیوند سیاست و ادبیات بررسی شده است.^(۱۰) اندرو نیومن نیز با انتشار تحقیقی تازه کوشیده

است تا روایت قدیمی لاکهارت درباره ایران عصر صفوی را بازبینی کند و کتابی درباره این دوره فراهم آورد.^(۱۱)

۳. صفویه‌شناسی ایرانی

از همان آغاز تاریخ ایران دوره صفویه، مورخان، متفکران، ادیبان و دیگر نویسندگان تحولات این دوره را نوشتند، ثبت کردند و گاه تجزیه و تحلیل کردند. مجموعه آثار مکتوب و بصری این دوران اینک مبنایی اساسی برای تحقیقات ایرانی درباره ایران دوره صفویه است. با این همه دوره شکوفایی پژوهش‌های صفویه‌شناسی، در تاریخ جدید ایران آغاز می‌شود. در این دوره به‌ویژه در پی رویکرد خاصی که به ایران دوره قاجار ایجاد شده بود، توجه به صفویان به تدریج بیشتر و مطالعات صفوی پررونق‌تر می‌گردید. این پژوهش‌ها هم در ایران و هم در خارج از ایران دنبال می‌شد. با اینکه نخستین مورخان دانشگاهی ایران هنوز به عرصه عمومی‌تر مطالعات تاریخی اعتناء داشتند اما با تحقیقات نصرالله فلسفی در دانشگاه تهران، زمینه برای توجه خاص به ایران عصر صفوی در دانشگاه تهران فراهم می‌گردید.^(۱۲) یکی از تاثیرگذارترین صفویه‌شناسان معاصر زنده یاد دکتر احسان اشراقی بود. دیگر مورخان و دانشمندان ایرانی نیز در ضمن پژوهش‌های عمومی خویش بخش‌هایی ویژه را به دوره صفویه اختصاص می‌دادند. در کنار این پژوهش‌ها، فعالیت‌هایی برای تصحیح انتقادی متون صفوی و نیز انتشار اسناد و مدارک آرشیوی این دوره انجام می‌یافت. کار در قسمت اخیر با دشواری‌هایی همراه بود زیرا به دلایلی بایگانی سلطنتی یا دفترخانه همایونی عصر صفوی آسیب دیده و شمار قابل توجهی از اسناد و مکاتبات دولتی به‌ویژه در دوره سقوط اصفهان از بین رفته بود. سرنوشت دفترخانه همایون و مدارک دیوان‌های پایتخت ایران در دوره صفوی خود موضوعی قابل توجه برای بررسی‌های جدی است. این موضوع تاکنون به شیوه‌ای روشمند تحقیق نشده است. به نظر می‌آید روایت جابری انصاری درباره سقوط اصفهان و انداختن بایگانی صفوی به زاینده‌رود توسط افغان‌ها نیز نیازمند بازبینی است (حسن جابری انصاری، *تاریخ اصفهان و ری*، به اهتمام حسین عمادزاده، ۱۳۲۲: ۸-۳۵-۳۷). به نظر می‌آید بایگانی دفترخان همایونی ایران عهد صفوی به عمد و توسط افرادی خاص غارت شد و مدارک آن یا به سرقت رفت و یا نابود شد. همین روایت انصاری در این کتاب نقل شده است: (عبدالحسین سپنتا، *تاریخچه اوقاف اصفهان*، انتشارات ادراه کل اوقاف اصفهان، اصفهان، ۱۳۴۶:).

به نظر می‌آید تحقیقات مربوط به تاریخ هنر و معماری ایران عصر صفوی در دوره جدید رونقی به سزا یافته بود. هم‌اینک شمار زیادی بررسی‌های ارزشمند درباره وجوه گوناگون هنر این دوره انتشار یافته‌اند.^(۱۳) با گسترش رشته تاریخ در نظام دانشگاهی ایران در سال‌های اخیر، نسلی نو از مورخان ایرانی در حال شکل‌گیری است و نسل جدید صفویه‌شناسان نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرند. این نسل جدید برخلاف نسل پیشکسوت که به تاریخ ایران بیشتر به صورتی عمومی می‌پرداختند، بر موضوعات گاه بسیار جزئی در تحقیقات صفویه‌شناسی متمرکز شده‌اند که حاصل آن رساله‌ها و پایان‌نامه‌های گاه مبتکرانه‌ای در این موضوع است.

به نظر می‌آید سهم مطالعات صفوی توسط ایران‌شناسان اروپایی، آمریکایی و محققانی از دیگر کشورها مانند روسیه (به‌ویژه در دوران شوروی و در آکادمی علوم جمهوری‌های خلق)، هندوستان و تا اندازه‌ای ترکیه و جهان عرب هنوز به صورتی همه‌جانبه بررسی نشده است. بررسی‌های روسی در دو دوره روسیه تزاری و دوران شوروی دسته‌بندی می‌شوند. ایران‌شناسان بنام روسی در دوره تزاری تحقیقاتی مستقل درباره ایران عصر صفوی در ضمن پژوهش‌های خویش انجام داده‌اند. بارتولد یکی از نمونه‌ها است. گرچه او نسبت به ایران عصر صفوی نظری منفی دارد. پس از آن و در دوره اتحاد جماهیر شوروی این تحقیقات مبتنی بر تاریخ نویسی مارکسیستی رونقی دیگر گرفتند (آقاجری: ۶۳-۵۰). با اینکه ایران عصر صفوی نزدیک به دو‌سیست و پنجاه سال با سلطنت عثمانی معاصر بود و این دو دولت به‌رغم منازعه‌ای تقریباً دائمی، بر یک بستر بودند اما رؤیاهایی متفاوت داشتند، اما در ترکیه جدید سهم مطالعات صفوی آنچنان که انتظار می‌رفت چشم‌گیر نبود. این‌گونه مطالعات در هندوستان نیز نیازمند بررسی دقیق‌تری است. با این همه به دلیل اهمیت ایران برای هندوستان این دوران تحقیقات و تصحیحات بیشتری نسبت به ترکیه انجام یافته است.

یک بخش مهم در تحقیقات صفوی‌شناسی ایران‌شناسان خارجی به ژاپن مربوط می‌شود. مطلب قابل‌توجه این است که گرچه ژاپن نسبت به دیگر کشورها دیرتر وارد عرصه مطالعات ایرانی شد اما با برنامه‌ریزی جدی و پشتکار دانشمندان ژاپنی، نسلی از این محققان و شاید برجسته‌ترین آنها به مطالعات صفوی روی آوردند. از میان دانشمندان ژاپنی اعضای خاندان هانه‌دا، کویچی هانه‌دا و ماساشی هانه‌دا اهمیت دارند. کویچی هانه‌دا که در گروه تاریخ دانشگاه تهران در اوایل دهه پنجاه خورشیدی

تحصیل کرده بود، به تاریخ ایران عصر صفوی علاقمند شده بود و در همان سال‌ها متنی از خلاصه التواریخ ملاکمال فرزند ملاجلال منجم یزدی را تصحیح و در مجموعه فرهنگ ایران زمین منتشر کرد. پروفیسور ماساشی هانه دا نخستین بررسی دانشگاهی جدی را درباره ارتش ایران عهد صفوی انجام داد و باید امیدوار بود که از این پس نیز دل‌بستگی پژوهشی خویش به ایران را در قالب طرح بزرگ مطالعات تاریخ جهانی خویش ادامه دهد^(۱۴) (ماساشی هانه دا، ۱۳۷۹: ۸۶-۹۲). اکنون این علاقه پژوهشی همچنان در ژاپن تقویت می‌شود. اقدامات نوبوآکی کندو برای برگزاری سمینارهای صفوی و انتشار آن به صورت مجموعه مقالات^(۱۵) و کار پژوهشی او درباره دستورالملوک از همین دل‌بستگی نشان دارد. کندو متن دستورالملوک را بر اساس نسخه خطی کامل حیدرآباد تصحیح کرده و درباره متن و تفاوت‌های آن با دیگر تصحیحات دستورالملوک بررسی انجام داده است (Nobuaki Kondo, 2018: 1-9) همچنین دیگر محققان ژاپنی^(۱۶) با انتشار اسناد و مدارک قفقازی و ماورالنهری به غنای این عرصه می‌افزایند.

پژوهش‌های صفویه‌شناسی اینک به یک برنامه جهانی تبدیل شده است. این پژوهش‌ها به‌خصوص پس از برگزاری میزگرد صفویه‌شناسان و همراه با آن رویکرد جهانی ایران‌شناسی برای شناخت تحولات مذهبی ایران در دهه‌های اخیر ضرورت شناخت ریشه‌های این تحولات رونقی به سزا یافته است. در مورد اخیر باید اشاره کرد که شمار قابل توجهی آثار پژوهشی برای فهم تحولات انقلابی و اکنون ایران نشر یافته‌اند که اصولاً ریشه‌های این تحولات را در عصر صفویه جستجو می‌کنند (نمونه فوران و اشاره به ضعف‌ها و کمبودها). در عین حال این تحولات، استمرار رویکردی از دیدگاه تاریخ‌هویی ایرانی نیز به‌شمار است.

ویژگی پژوهش‌های کنونی صفویه‌شناسی، تخصصی‌شدن تدریجی آن است. نسل کنونی صفویه‌شناسان به تدریج در حوزه‌های و عرصه‌های معینی تمرکز پژوهشی ایجاد می‌کنند. با اینکه این امر با کارکرد دانشگاهی آنان تا اندازه‌ای منافات دارد.^(۱۷) به نظر می‌آید نسل گذشته صفویه‌شناس ایران‌شناسانی گاه کمال‌گرا و ذوفنون بودند که به‌طور معمول در همه تاریخ ایران (گاهی تخصصی و گاهی عمومی) فعالیت داشتند.^(۱۸) در حالی که بسیاری از صفویه‌شناسان کنونی عموماً در یک حوزه معین از تاریخ مذهبی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اجتماعی و فرهنگی این دوره صاحب تخصص می‌شوند. این

جریان جهانی است و از لحاظ موضوع و نه کیفیت، در ایران و خارج از ایران به یکسان انجام می‌شود.

۴. چشم‌انداز آینده

صفویه‌شناسی به عنوان جریانی تحقیقاتی ریشه‌دار و نیرومند اینک به مراحل از فعالیت رسیده است که مستلزم بازنگری‌های اساسی در رویکرد و روش و بینش است. اینک این جریان پژوهشی از دو مرحله عمومی پژوهی و تخصصی پژوهی باید عبور کند که بتوان آن را رویکردی جامع در پژوهش‌های صفویه‌شناسی تلقی کرد. این امر مستلزم چند فعالیت است:

۴-۱. نگاه به ایران عصر صفوی بر اساس دیدگاه منطقه‌ای و جهانی

پژوهش‌های صفویه‌شناسی تاکنون منفرد و بیشتر با رویکرد محدود به ایران انجام یافته اند. اینک ضرورت دارد تا برای فهم تحولات ایران در این دوره آن را در زمینه منطقه‌ای و جهانی بررسی کرد. نمونه‌های اولیه‌ای از چنین پژوهش‌هایی تاکنون انجام شده‌اند. اما این کافی نیست. به نظر می‌آید بخش قابل توجهی از تحولات ایران در این دوره تابعی از مسائل منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه تمدن سوداگری غربی بوده است.^(۱۹) بنابراین بازبینی و ارزیابی تحقیقات روابط خارجی ایران در عهد صفویه با تأکید بر گسترش استفاده از منابع ایرانی برای ایجاد یک نظریه در این موضوع ضرورت دارد. به جنبه‌هایی از دیدگاه‌های نظری این عرصه توجه شده است (صفت‌گل، منصور، «الگوی نوین سیاست خارجی ایران در استانه دوره آغازین تجدد: نظم نوین منطقه‌ای صفوی و نظام جهانی»، مجموعه مقالات سومین همایش تاریخ روابط خارجی ایران، به کوشش سیدمحمد سجادیپور، ۱۴۰۰: ۵۷-۷۳). در دوره فروپاشی و رویدادهای روزگار نادرشاه این الگو تغییراتی یافت (صفت‌گل، منصور، «قلمرو بزرگتر، همسایگان رقیبان محدودتر: بازسازی ایران با پیوستگی و گستردگی دیپلوماسی منطقه‌ای در گذار از صفویان به افشاریان»، مجموعه مقالات چهارمین همایش تاریخ روابط خارجی ایران، به کوشش محمد سجادیپور، تهران، ۱۴۰۰: ۵۶-۷۳).

۴-۲. ضرورت توجه به همه منابع پژوهشی: با تأکید بر اسناد و مدارک اقتصادی و مالی

صفویه‌شناسی به‌ویژه گونه اروپایی و آمریکایی آن سهمی قابل توجه در شکوه و رونق مطالعات ایران‌شناسی این دوره داشته است. شمار قابل توجه کتاب‌های تخصصی و مقالات سودمند بی‌شمار منتشره در این موضوع موید این سخن است. با این همه در این عرصه بخصوص در این بخش از صفویه‌شناسی جهانی اینک کمبودهایی جدی

آشکار می‌شود. این امر مربوط به منابعی است که صفویه‌شناسان استفاده می‌کنند. واقعیت این است که تحولات عصر صفوی تنها در وقایع نگاری‌های این دوره یا سفرنامه‌های با ارزش اروپاییانی که در آن روزگار به ایران سفر کردند بازتاب نیافته است. با اینکه برای عرصه‌هایی همچون تاریخ هنر و معماری این دوره مجالس نقاشی به مثابه منابع اصلی استفاده شده‌اند اما تاکنون منابع اقتصادی ایرانی عهد صفوی مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته‌اند. در آثار پژوهشی صفویه‌شناسان درباره تحولات مالی و پولی این دوران هیچ نشانی از بهره‌برداری از متون و منابع سیاقی، جمع و خرج‌ها، فردها، مثال‌ها و اسناد وظایف نیست. هنوز نشانی از توجه به یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های آرشیوی صفویه‌شناسی یعنی اسناد «وظایف» آستان قدس رضوی نیست (حسن‌آبادی، ابوالفضل «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه» کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، ویژه *مطالعات صفوی*، سال ۶، شماره ۱۰-۱۱ مرداد و شهریور، ۱۳۸۲: ۴۳) در سال‌های اخیر و در پی توسعه آستانه رضوی، ناگهان بخشی از بایگانی تاریخی آستانه که به احتمال فراوان برای در امان ماندن از غارت اوزبکان و یا دیگر غارتگران در میان دو دیوار قرار داده شده و حفظ شده بود، کشف گردید. اسناد یاد شده یک ویژگی مهم دارند. از آنجا که تقریباً هیچ مجموعه کامل و منظمی از اسناد عهد صفویه باقی نمانده است، اسناد وظایف آرشیو رضوی منظم‌ترین مجموعه به‌شمار می‌رود.^(۲۰) به نظر می‌آید در بیشتر بررسی‌هایی که تاکنون درباره تاریخ مالی و پولی روزگار صفویه انجام یافته است مهم‌ترین منابع، گزارش‌های کمپانی‌ها و سفرنامه‌های اروپایی متکی هستند.^(۲۱) این دسته از منابع البته بسیار اهمیت دارند اما به نظر می‌آید تا زمانی که منابع مالی ایرانی این دوران شناسایی و بررسی نشده‌اند هر پژوهشی درباره تاریخ اقتصادی ایران عصر صفوی ناقص و نارسا است. افزون بر آن بهره‌گیری گسترده از منابع ویژه این دوره مانند نقشه‌های اروپایی، روسی و عثمانی، تصاویر تابلوهای ترسیم شده از سیمای شهرها و مردم توسط نقاشان مسافر اروپایی و عثمانی مانند تصاویر نسخه خطی *شجاعت‌نامه* (صالحی، نصرالله، «نگاره‌های شجاعت‌نامه به مثابه تاریخ مصور جنگ‌های ایران و عثمانی در قفقاز ۹۸۶-۹۹۳ق)، *نامه فرهنگستان*، سال ۱۹ شماره ۱/۱۳۹۹: ۳۱-۶۸) و *بیان منازل سفر عراقین* از نصوص مطراقی اهمیت دارند.

۳-۴. لزوم بررسی درباره مکتوبات غیر آرشیوی

تاکنون شماری از اسناد اصیل ایرانی روزگار صفویان منتشر شده‌اند. اما این بخش از مکاتبات دیوانی انتشاریافته در برابر شمار چشمگیر نشر نیافته بسیار اندک هستند. از

سوی دیگر بنابر مشهور بخش عمده‌ای از اسناد صفوی در رویداد سقوط اصفهان از بین رفته است. بنابراین می‌توان تصور کرد که حاصل گردش کار دیوان‌های صفوی در دوره‌ای نزدیک به دوپست و پنجاه سال به‌طور حتم بسیار زیاد بوده است. از این مقدار، اندکی به صورت اصل، و تعداد قابل توجهی به صورت سواد و رونوشت و یا در قالب مجموعه‌های تعلیمی باقی مانده‌اند. نظر به اهمیت این نوع از مدارک می‌توان از آنها به عنوان مکتوبات غیرآرشیوی یاد کرد. اصطلاح مکتوبات غیرآرشیوی را من برای تمایز آنها از اسناد اصل که در آرشیوها نگهداری می‌شوند ساخته‌ام (برای بحثی درباره همین موضوع و ملاحظه نمونه‌هایی از این مکتوبات نگاه کنید به: منصور صفت‌گل/با همکاری نوبواکی کندو، پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر (صفویان، اوزبکان و امارت بخارا) همراه با گزیده مکتوبات، چاپ یکم موسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، توکیو، ۱۳۸۵: ۷۷-۱۲۲).

در کنار آن باید به اهمیت اطلاعات مندرج در نسخه‌های خطی نشر نیافته، و در مجموعه‌ها، جنگها و منشآت این دوره توجه داشت. جای پژوهش‌های روشمند در این موضوع خالی است.

(Mansur Sefatgol, "Majmuahha: Important and Unknown sources of historiography of Iran during the the last Safavids- the case of Mamuah-I Mirza Muina", in *Persian Documents, Social history of Iran and Turan in the fifteenth and nineteenth centuries*, edited by Kondo Nobuaki, RoutledgeCurzon, 2003: 73-85).

افزون بر این دسته از منابع، ضرورت بهره‌برداری از اطلاعاتی که در متون مذهبی، حواشی نسخه‌های خطی، سفرنامه‌های ایرانی از جمله سفرهای زیارتی به‌ویژه سفر حج و رساله‌های کوتاه و یادداشت‌های متفرقه‌ای که در کتاب‌های گوناگون درج شده بیش از پیش احساس می‌شود.^(۲۲)

زنده‌یاد ایرج افشار بر اهمیت نامه‌های صفوی مندرج در مجموعه‌ها و جنگ‌های عصر صفوی تاکید داشت و از آنان با عنوان «گمشده‌های تاریخ صفویه در نامه‌های گمشده» یاد کرده است. به سخن ایشان این نامه‌ها گمشده‌اند زیرا اصل این نامه‌ها به هر روی باقی نمانده است (افشار، ایرج «گمشده‌های تاریخ صفویه در نامه‌های گمشده»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ویژه مطالعات صفوی، سال ۶، شماره ۸-۹، خرداد و تیر، ۱۳۸۲: ۴).

۴-۴. ضرورت مطالعه روشمند درباره زمین‌داری و نظام ارضی

یک زمینه مهم پژوهشی فراموش شده در صفویه‌شناسی، زمین‌داری و تحولات ارضی در این دوران است. واقعیت این است که تاکنون هیچ پژوهش همه‌جانبه‌ای در این موضوع انجام نیافته است. بررسی ضمنی لمبتون^(۲۳) و یا ملاحظات کلی پتروشفسکی^(۲۴) گرچه

هنوز تا اندازه‌ای سودمند هستند اما اینک کهنه و ناقص ارزیابی خواهند شد. در این آثار مشهورات رایج درباره نوع خاصی از زمین‌داری صفوی در شکل وقفی آن و تحولات همین نوع در دوره نادرشاه افشار بازتاب یافته است که اینک زمان بازبینی در آنها فرارسیده است.^(۲۵)

۴-۵. تاریخ روستایی و شهری ایران در عهد صفویه

در کنار بررسی‌های مربوط به تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران عصر صفوی، موضوع تاریخ روستایی ایران این دوره نیز اهمیت دارد. واقعیت این است هر دوی این موضوعات نیازمند تحقیقاتی همه‌جانبه هستند. روستاها کانون اصلی تولید کشاورزی و تا اندازه‌ای دامی در ایران و در عین حال یکی از مهم‌ترین مراکز مدنیت جامعه ایرانی به‌شمار بوده‌اند. افزون بر آن تاریخ ایلات و عشایر این دوره نیز اهمیت دارد. این امر به خصوص از آن رو قابل توجه است که براساس تاریخ دولت در ایران وجود اقوام و قبایل و عشایر در ایران هیچگاه منجر به ظهور پدیده قومیت در ایران نبوده است.^(۲۶)

۴-۶. بازبینی درباره تاریخ دریایی و دریانوردی ایران عهد صفویه

تاریخ دریایی ایران و تمدن شکل‌گرفته بر اساس آن تاکنون چنان‌که باید و شاید بررسی نشده است. این موضوع از جمله موضوعاتی است که بر اساس رواج یک تصور نادقیق درباره تاریخ ایران به صورت تمدنی مبتنی بر خشکی و راه‌های کاروانی شکل گرفته است. واقعیت این است که ایران هم زمان تمدنی دریایی زمینی بود. اما به دلایلی بخش دریایی تاریخ ایران به‌ویژه از دوره صفویه به بعد بررسی نشده است. برای یادآوری توجه هم‌زمان ایران به دریا و خشکی، کافی است به اقدامات دولت ایران در دوره صفویه اشاره شود. ابن موضع به خصوص از دوره شاه عباس اول به بعد نمود بیشتری دارد. کوشش برای اعاده نظارت دولت ایران بر خلیج فارس و رویارویی با پرتغالی‌ها^(۲۷) و دیگر اروپایی‌ها در این منطقه و تلاش برای رونق تجارت دریایی ایران همه نشانه‌های اهمیت دریا برای اقتصاد و سیاست و فرهنگ در ایران این روزگار است. در این میان خلیج فارس به دلیل اهمیت جهانی آن مورد توجه بیشتری قرار گرفته است^(۲۸) اما دریای مازندران و تحولات آن گرچه قابل مقایسه با خلیج فارس نبود با این همه از این موضوع در بررسی‌های صفویه‌شناسی تقریباً یکسر غفلت شده است.

در همه پژوهش‌های صفویه‌شناسی و پس از آن توجه ویژه‌ای به دریای مازندران و تحولات آن و به‌ویژه نقش آن در تحولات نظام جهانی از سده دهم/ شانزدهم به بعد نشده است. حتی درباره روابط ایران و روسیه که بخش عمده‌ای از آن به دریای مازندران

و کرانه‌ها و مناطق پس‌کرانه‌ای آن پیوند می‌یابد، هنوز تحقیقاتی بایسته و شایسته انجام نیافته است. بنابراین یک خلأ پژوهشی عام دربارهٔ مسائل دریای مازندران و در کنار آن دربارهٔ وضع این حوزه در دورهٔ صفویه به بعد دیده می‌شود.

مهم‌ترین تأثیر استقرار نظم صفوی در ایران یک‌پارچه شدن ایالات و ولایات ایران تحت امر حکومت مرکزی صفویه بود. در سدهٔ دهم/شانزدهم برنامهٔ یک‌پارچه‌سازی ایالات و ولایات با جدیت در پیش گرفته شد. اقدامات دولت ایران برای توجه به ایالات کرانهٔ دریای مازندران در این دوره بسیار قابل توجه بود. تا دورهٔ شاه طهماسب یکم اغلب سرزمین‌های کرانه‌ای دریای مازندران بار دیگر در حوزهٔ نظارت دولت مرکزی قرار گرفتند. با برافتادن خاندان شروانشاهی در غرب دریای مازندران دامنهٔ اقتدار دولت مرکزی بار دیگر به دربند رسید. بنابراین محدودهٔ کرانه‌ای از دربند در شمال غرب دریا تا ریگزارهای شرقی دریا یعنی نزدیک به حوزهٔ خوارزم بار دیگر اعاده شد. در دورهٔ شاه عباس یکم اقدامات دولت ایران برای تحکیم دولت مرکزی در این مناطق آغاز شد. این اقدامات مخصوصاً در گیلان و قفقاز بیشتر بودند. در این دوره دولت ایران نه‌تنها برای استقرار اقتدار دولت مرکزی در قلمرو سنتی خود در قفقاز، بلکه برای گسترش این اقتدار تا آن‌سوی دربند و نیز رسیدن به دریای سیاه کوشش می‌کرد. اساس برنامه‌های بعدی مربوط به تجارت دریایی در دریای مازندران و ایجاد بنادر و شهرهای جدید در کرانه‌های آن و هم‌چنین کوشش‌های دیپلماتیک بعدی ناظر به همین اهداف بود.

با اینکه تحولات مربوط به اقلیم و بنادر و سواحل دریای مازندران در سدهٔ دهم/شانزدهم تا حدود قابل توجهی ادامهٔ وضعیت پیشین آن بود، به نظر می‌رسد چند دگرگونی عمده در آرایش جدید سیاسی این سده به بعد تأثیری جدی بر آن داشته است. این تغییرات ناشی از برآمدن صفویان در ایران (۹۰۷ ق./۱۱۴۸ م.)، به قدرت رسیدن ازبکان در شرق دریای مازندران در آسیای مرکزی، ظهور تدریجی روسیهٔ تزاری به‌ویژه با پیشروی روس‌ها به سوی دریای مازندران، حذف بازماندگان تاتارها از قدرت و رسیدن قدرت سیاسی روسیه به دریا پس از تصرف آستاراخان بود. بدین ترتیب دورهٔ تازه‌ای از تحولات دریای مازندران آغاز شد که مهم‌ترین مشخصهٔ آن تعاملات و رقابت‌های میان این قدرت‌ها به‌ویژه میان ایران و روسیه بود. گرچه دربارهٔ اهمیت قدرت روسیه در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در دریای مازندران نباید گزافه‌گویی کرد. واقعیت این است که روس‌ها عملاً از اواخر سدهٔ یازدهم و بیشتر از اوایل سدهٔ دوازدهم با برنامه‌های

منظم پتر در دریای مازندران حضور یافتند. تا این زمان خزر هنوز دریایی ایرانی باقی مانده بود. ایران عصر صفوی دست‌کم تا دربند را در اختیار داشت و در بخش شرقی دریای مازندران نیز با نفوذ در ناحیه خوارزم بر سواحل این بخش نیز نظارتی غیرمستقیم اعمال می‌کرد.

از مجموعه اقدامات دولت ایران در کرانه‌های دریای مازندران و منطقه قفقاز می‌توان به ابعاد گوناگون سیاست دریایی خزری ایران در این عهد پی برد. به نظر می‌آید هدف مهم دولت ایران اتصال حوزه خزری به دریای سیاه و بالتیک بوده است. این امر مخصوصاً در روابطی که با روسیه تزاری و از همه مهم‌تر لهستان برقرار می‌کرد، بازتاب داشت. میزان توجه به لهستان در این دوره بسیار زیاد است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که ایران در برقراری رابطه با لهستان در پی تحقق چه اهدافی بوده است؟ دلاواله با زیرکی تمام به هدف دریایی ایران در این بخش پی برده و آن را توضیح داده است. افزون بر آن، وی با اعتنا به همین برنامه دولت ایران می‌خواست با دلایل گوناگون شاه ایران را به گسترش روابط با لهستان تشویق کند. به نظر می‌آید شاه عباس از رابطه با لهستان به این هدف نیز فکر می‌کرده است که لهستانی‌ها در تسخیر بندر یان (Janus) در دریای سیاه به او کمک کنند. «مسلمانان ایرانیان برای پایگاه خود این بندر را خواسته بودند.» بندر یانوس در کناره رودخانه طرابوزان قرار داشت که «ایرانیان می‌خواستند به‌عنوان پایگاه امنیتی در اختیار داشته باشند تا قزاق‌ها از طریق دریا به آنجا آمده و برای نبرد با ترک‌ها به قشون آنان بپیوندند (پیپترو دلاواله، سفرنامه پیپترو دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، جلد دوم، چاپ اول نشر قطره تهران، ۱۳۸۰: ۹۷۶-۹۷۷).

به نظر می‌آید در سیاست دریایی ایران در دوره صفوی، موضوع اتحاد نظامی و در عین حال گسترش تجارت با اروپا از طریق لهستان در دوره شاه عباس یکم برای مدتی به‌صورتی جدی مطرح شده بود. فعالیت شدید دیپلماتیک در این زمینه نشان از اهمیت موضوع برای ایران داشت. تصمیم دولت ایران برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی از عثمانیان و هم‌زمان رونق تجارت به این امر کمک می‌کرد.

اروپاییانی که از این تمایل دولت ایران آگاهی یافته بودند، می‌کوشیدند با دادن طرح‌های عملی ایران را در انجام آن یاری کنند. دلاواله از نخستین اروپاییانی بود که در این باره سخت فعال بود. او گرچه ادعا می‌کند که مبتکر اتحاد ایران با لهستان و استفاده ایران از قزاق‌های دن بوده، اما به نظر می‌رسد موضوع همان بود که پیشتر اشاره شد. دیدگاه‌های دلاواله درباره اجرای این برنامه البته مفصل هستند که در اینجا مورد بررسی

قرار گیرند. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی این دوره، زمینه را برای استقرار الگوی ایرانی اروپایی برای راه تجاری خزری فراهم ساخت.

افزون بر اقدامات نظامی که بخشی مهم از برنامه و سیاست خزری دولت ایران به شمار می‌رفت، ایجاد بندرگاه‌ها و لنگرگاه‌های تازه در سواحل دریای مازندران نیز در پیش گرفته شد. در این راستا و برای نخستین بار در تاریخ ایران پس از اسلام، سیاست شهرسازی جدیدی در پیش گرفته شد که به موجب آن تغییرات جمعیتی چشمگیری نیز ایجاد گردید. ساختن شهر بندر فرح‌آباد و اشرف از جمله این اقدامات به‌شمارند. تا پیش از ساخته شدن فرح‌آباد و اشرف، بنادر عمده ایران در سواحل جنوبی دریای مازندران بیشتر در حوزه استرآباد قرار داشتند. فعالیت دریایی در حوزه خلیج میانکاله و جزیره آبسکون و از همه مهم‌تر گمیش‌تپه رونقی به‌سزا داشت. شاید به‌دلیل یورش مغولان و یا تغییرات سطح آب دریای مازندران بود که این مناطق در دوره‌های بعد دچار رکود شدند. بنابراین در دوره صفویه، به‌ویژه در دوره شاه عباس یکم، مرکز تجارت دریایی به کمی این‌سوتر و در غرب این بنادر باستانی منتقل گردید. نمونه فرح‌آباد و اشرف در این زمینه قابل بررسی جدی‌تر هستند (عالم‌آرای عباسی: ۸۵۰ و بعد).

برنامه دولت ایران برای توسعه مازندران و گیلان در دوره صفویه ابعاد گسترده‌ای داشت. این برنامه بیشتر شامل ایجاد شهرهای جدید، تشویق ساکنان دیگر مناطق برای مهاجرت به کرانه‌های دریای مازندران به‌منظور افزایش جمعیت این مناطق و رونق تجارت و کشاورزی بود. برای دسترسی بهتر به کرانه‌های دریا، دولت ایران برنامه جامع راه‌سازی را از همان هنگام ایجاد شهرها و بنادر جدید طراحی و اجرا کرد. از آنجا که مازندران جایگاهی ویژه در دربار ایران، به‌ویژه از دوره شاه عباس اول یافته بود، بخش عمده‌ای از این برنامه‌های عمرانی در این منطقه انجام یافت. راه موسوم به شاهی یکی از این برنامه‌ها بود (محمدباقر وثوقی و منصور صفت‌گل، *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*، جلد سوم، چاپ یکم، انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی ایران، تهران، ۱۳۹۵: ۴۴۴).

۴-۶. لزوم بازنه‌بشی در پژوهش‌های متأثر از تقسیمات جدید سیاسی در پیرامون ایران
پژوهش‌های صفویه‌شناسی اخیر دچار تنگنایی جدی در حوزه بررسی‌های منطقه‌ای شده‌اند. مهم‌ترین بخش این تنگنا به بررسی‌هایی مربوط می‌شود که در طی سه مرحله در مناطق قفقازی و آسیای مرکزی جهان ایرانی انجام یافته‌اند. این سه مرحله در دوره‌های اشغال روسیه تزاری، استمرار آن در دوره اتحاد جماهیر شوروی و تغییر رویکرد روسی به رویکرد جمهوری‌های تازه تاسیس یافته در این مناطق به‌ویژه در قفقاز

قابل بررسی هستند. به نظر می‌آید رویکرد پژوهشی تزاری روسی زمینه‌ای را برای ایجاد گونه‌ای ذهنیت تفکیکی میان این مناطق و ایران آماده کرده است. در دوره شوروی با اینکه شعار اصلی شکل خاصی از جهان وطنی روسی سوسیالیستی مطرح می‌شد^(۲۹) اما در عمل جمهوری‌های خلق در این مناطق عمده می‌شدند که پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی ناگهان از آن اوج جهان وطنی سوسیالیستی به حضيض گونه‌ای تحریف و جعل وطن دچار شدند.^(۳۰) بخش پراهمیت دیگر به وضع پژوهش درباره تحولات خلیج فارس و فعالیت‌های پژوهشی دیگر همسایگان ایران در این منطقه مربوط می‌شود. به نظر می‌آید همان وضع یاد شده در این بخش نیز دیده می‌شود زیرا برنامه‌ای روشمند برای حذف اطلاعات منابع مربوط به سرزمین‌های جهان ایرانی اجرا می‌شود. این اطلاعات شامل مواردی متعدد از قبیل حذف نام‌های تاریخی و یا دست‌کاری اطلاعات مربوط به روزگاری است که هنوز تقسیمات و تجزیه‌های یکی دو سده اخیر رخ نداده بود. شاید ضرورت دارد تا مورخان و صفویه‌شناسان ضمن احترام به دل‌بستگی‌های کنونی دولت‌های تازه تأسیس یافته، ضرورت تأکید بر در پیش گرفتن رویه و روش علمی و حرفه‌ای را در این موضوع یادآور شوند.

۵. نتیجه

ارزیابی کوتاه کنونی نشان می‌دهد که صفویه‌شناسی به مثابه فعالیتی علمی پیشینه‌ای دست‌کم پانصد ساله داشته است. فعالیتی که تقریباً از همان آغاز فرمانروایی صفویان به تدریج شکل گرفت و تقویت شد. صفویه‌شناسی اینک یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ایران‌شناسی به‌شمار است. به دلیل اهمیت این دوران از سه منظر تاریخ ملی ایران، تحولات منطقه‌ای و نقش ایران در تاریخ جهانی در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری، در هر سه عرصه، جریانی از پژوهش درباره ایران عهد صفویه شکل گرفت که تاکنون تداوم یافته است. همین فعالیت به ظهور مجموعه چشم‌گیری از پژوهش‌ها انجامیده است. این پژوهش‌ها به‌طور معمول باید در بستر زمانه‌ای که انجام یافته‌اند بررسی و ارزیابی شوند. به نظر می‌آید اینک وقت آن رسیده است تا افزون بر پژوهش‌های خاص در موضوعات تخصصی تاریخ ایران عصر صفوی، صفویه‌شناسی و دستاوردهای صفویه‌شناسان نیز خود موضوع بررسی و ارزیابی علمی قرار گیرند. این کار به شناخت پژوهشگران از پژوهش‌های انجام یافته یاری می‌رساند و افزون بر آن و از همه مهم‌تر زمینه‌های نو و عرصه‌های تازه همچون تاریخ اقتصادی و اجتماعی، تاریخ فرهنگی، تاریخ

اندیشه و از همه مهم‌تر ضرورت توجه به منابع ناشناخته ایرانی و غیرایرانی برای پژوهش‌های صفویه‌شناسی را به صفویه‌شناسان می‌شناساند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به لحاظ اهمیت و تأثیر عمیق تحولات ایران عصر صفوی می‌توان چنین عنوانی را برای آن به کار برد. ایران با ریشه‌های ژرف تاریخی و نفوذ فرهنگی و سیاسی در ادوار باستان تاکنون، سبب شکل‌گیری برنامه‌ای تحقیقاتی بزرگ شده است که از آن به تحقیق درباره جهان ایرانی تعبیر شده است. جهان صفویه‌شناسی بخشی از همین طرح بزرگ است.

۲. اطلاعات منابع تألیف شده در دوره قاجار درباره ایران روزگار صفویان بیشتر از روی کتاب‌های مورخان همان دوره به‌طور معمول رونویسی و گاه بازنویسی شده است. از جمله می‌توان به *روضه الصفای ناصری* اشاره کرد که در واقع سه مجلد آخر آن تألیف و گره‌برداری هدایت درباره ایران عصر صفوی به بعد به‌شمار است و می‌توان این بخش را ذیلی بر *روضه الصفای میرخواند* دانست. این کار رضاقلی خان هدایت می‌تواند به عنوان نوعی تاریخ نویسی قاجاری درباره صفویه ارزیابی شود. آثار دیگر مورخان عهد قاجار مانند تألیفات محمدتقی‌خان سپهر یا بررسی‌ها و گره‌برداری‌های محمدحسن‌خان اعتماد السلطنه نیز در همین زمینه اهمیت دارند.

۳. هنگامی که چند سال پیش برای انجام سفری پژوهشی در دانشگاه کیمبریج بودم فرصتی پیدا شد تا با پیتر ایوری ایرانشناس بریتانیایی که سال‌های بازنشستگی خویش را در خانه دانشگاه در گینگز کالج می‌گذراند، ملاقات کنم. ایشان با محبت بسیار مرا پذیرفت. تازه از انتشار ترجمه *منطق الطیر* عطار به انگلیسی فراغت یافته بود و مشغول ترجمه دیوان حافظ بود. در ضمن گفتگو از ایشان پرسیدم که چرا مکتب ایرانشناسی بریتانیایی اینک کم-رونق شده است. پاسخ ایوری بسیار قابل توجه بود زیرا گفت که ما [بریتانیایی‌ها] از هنگامی که هندوستان را از دست دادیم علاقه ما به تحقیقات ایرانی نیز رفته‌رفته کم شد.

۴. دلبستگی فلور به تاریخ ایران عهد صفوی چشمگیر و شمار تحقیقات او در این باره فراوان است. آثار او به‌طور عام مبتنی بر اسناد هلندی، متون تاریخی و روایات سفرنامه‌ای هستند. در سال‌های اخیر فلور به تصحیح و ترجمه متون صفوی همراه با شرح و تعلیق بر آنها توجه کرده است. یکی از کارهای اخیر او در این موضوع انتشار دستور *الملوک* به زبان انگلیسی است:

Mohammad Rafi' al-Din Ansari, *Dastur al-Muluk: A Safavid state Manual*. Translated from Persian by Willem Floor, Mohammad H. Faghfoory. California. Mazda. 2007.

تقریباً هم‌زمان با تحقیق فلور درباره دستور *الملوک*، پژوهشگری دیگر این کتاب را به انگلیسی ترجمه و با شرح و تعلیقاتی منتشر کرد:

Mirza Rafia's *Dastur al-Muluk a Manual of Safavid Administration*. Translated by Mohammad Ismail Marchinkovsky. Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC), 2002.

این کتاب با مشخصات زیر ترجمه شده است:

دستورالملوک میرزا رفیعا. به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. ترجمه علی کردآبادی. با مقدمه منصور صفت‌گل. تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.

۵. رودی ماتی یکی از پرکارترین صفویه‌شناسان معاصر به‌شمار است. دلبستگی او به ایران عصر صفوی قابل توجه و آثار پژوهشی او در این موضوع اهمیت دارند. تازه‌ترین پژوهش او درباره ایران عصر صفوی به موضوع مناقشه برانگیز سقوط اصفهان و وضع سیاسی ایران پیش و ضمن و پس از آن اختصاص یافته است. نگاه کنید به:

Rudi Matthee, *Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan*. London. I.B.Tauris. 2012

این کتاب با مشخصات زیر ترجمه شده است:

رودی متی. *ایران در بحران: زوال صفویه و سقوط اصفهان*. ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۳.
به نظر می‌آید پاره‌ای از مشهورات صفویه‌شناسی از جمله روایت متزلزل صفویه‌شناسی اروپایی درباره سقوط اصفهان در این بررسی نیز تکرار شده است.
۶. یکی از تازه‌ترین تک‌نگاری‌ها که به صورت گروهی انجام یافته است، به موضوع مهم غلامان عصر صفوی اختصاص یافته است:

Sussan Babaie, Kathryn Babayan, *Slaves of the Shah: New Elites of Safavid Iran*. London. I.B.Tauris. 2004

۷. پژوهش راهگشای مزاولی درباره زمینه و تحولات منجر به ظهور دولت صفوی در ایران الگویی برای تحقیقات بعدی بود. به نظر می‌آید او از یک الگوی پیشینی شاید از تحقیق والتر هینتس تأثیر پذیرفته بود اما مزاولی تحقیق خویش را بر تحولات طریقت صفوی و تغییرات اندیشه‌ای تشیع متمرکز کرده بود.
۸. شعله کوپین برای نخستین‌بار یک تک‌نگاری سودمند در موضوع تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی انجام داد. نگاه کنید به:

Sholeh A. Quinn, *Historical Writing During The Reing of Shah Abbas: Ideology, Imitation and Legitimacy in Safavid Chronicles*. Salt Lake City. The University of Utah Press. 2000

این کتاب با مشخصات زیر ترجمه شده است: شعله‌ای، کوپین: *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی: اندیشه، گرده‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه*. ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، دانشگاه تهران. ۱۳۸۷.

۹. تازه‌ترین پژوهش در این موضوع کتاب:

Rula Jurdi Abisaab, *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire*. London. I.B.Tauris. 2004

این کتاب با مشخصات زیر ترجمه شده است:

رولاجردی، ابی‌صعب تغییر مذهب در ایران: دین و قدرت در ایران عصر صفوی. ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

10. Colin P. Mitchell, *The Practice of Politics in Safavid Iran: Power Religion and Rhetoric*. London. I.B.Tauris. 2009

این کتاب با مشخصات زیر ترجمه شده است:

کالین میچل، سیاست ورزی در ایران عصر صفوی: قدرت، دیانت، بلاغت. ترجمه حسن افشار. تهران. فرهنگ جاوید، ۱۳۹۷.

11. Andrew J Newman, *Safavid Iran: Reberth of a Persian Empire*. London. I.B.Tauris. 2006

۱۲. مهم‌ترین پژوهش فلسفی، تک‌نگاری او درباره روزگار شاه عباس یکم بود: نصرالله فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، علمی تهران ۱۳۷۱. این کتاب پیش از آن در سلسله انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده بود. بررسی او درباره جنگ ایران و عثمانی در چالدران هنوز پژوهشی راهگشا درباره این رویداد مناقشه برانگیز از لحاظ تحقیقاتی است. همچنین پژوهش او درباره روابط ایران و اروپا نیز پس از وی به عنوان الگویی اولیه برای تحقیق در این موضوع در تاریخ دیپلماسی ایران شد. پس از نصرالله فلسفی، دکتر احسان اشراقی با تصحیح چند متن مهم عهد صفوی از جمله خلاصه التواریخ از قاضی احمد قمی و نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار نوشته افوشته‌ای نطنزی زمینه را برای دستیابی پژوهشگران به منابع عهد صفویه آماده کرد. آخرین کار مهم ایشان تصحیح جلد دوم افضل التواریخ بود که با این مشخصات نشر یافته است: فضلی خوزانی اصفهانی، *افضل التواریخ، روزگار و زندگانی شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ م.ق)* دفتر اول از مجلد دوم، به کوشش احسان اشراقی و قدرت‌الله پیش نمازاده، چاپ یکم موسسه پژوهشی میراث مکتوب، تهران ۱۳۹۸. جلد‌های اول و سوم *افضل التواریخ* را تصحیح کرده‌ام و به زودی توسط همین موسسه نشر می‌یابد.

۱۳. افزون بر معماری به صورت همگانی، پژوهش‌هایی در موضوع خاص مانند معماری آستانه‌های مدهبی و آرامگاهی نیز انجام یافته است. نگاه کنید به:
- Kishvar Rizvi, *The Safavid Dynastic Shrine: Architecture Religion and Power Early Modern Iran*. I.B.Tauris. 2011
۱۴. به بخشی از پژوهش‌های ماساشی هانه دا در این مقالات اشاره شده است. نگاه کنید بررسی کتاب او به ژاپنی درباره «زندگانی ژان شاردن، جهان اسلام و اروپا در سده هفدهم میلادی تألیف پروفیسور ماساشی هانه د» ترجمه منصور صفت‌گل و تاته رو ساساجیما، در کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا، ویژه مطالعات صفوی (۱)* سال چهارم شماره اول و دوم، آذر ۱۳۷۹: ۸۶-۹۲. در سه شماره این نشریه برای نخستین بار کارنامه صفویه پژوهی در مقالاتی از استادان و محققان ایرانی و ایران‌شناسان سرشناسی همچون رودی متی، ویلم فلور، کریستف ورنر و ماساشی هانه دا مورد بررسی قرار گرفت.
15. Nobuaki Kondo, *Mapping Safavid Iran*, Tokyo: Research Institute for languages and cultures of Asia and Africa, [2015]
۱۶. تحقیقات مائدا درباره گرجیان عصر صفوی به ویژه کتاب او درباره غلامان گرجی اهمیت دارند.
۱۷. معمولاً ایران‌شناسان و صفویه‌شناسان بر حسب وظیفه آموزشی، حوزه‌های غیرصفوی و حتی گاه ایرانی را نیز در دپارتمان‌های خود عهده‌دار می‌شوند این ناگزیری شغلی است.
۱۸. ادوارد براون ایران‌شناس بریتانیایی به جنبه‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام علاقمند بود و به *تاریخ ادبیات ایران* توجهی داشت. هم‌زمان درباره تاریخ تحولات سیاسی ایران از دوره صفویه به بعد به‌ویژه انقلاب مشروطیت و رویدادهای آن دوره بررسی و اظهار نظر می‌کرد. برای تازه‌ترین پژوهش درباره براون نگاه کنید به: حسن جوادی، *ادوارد براون و ایران*، چاپ یکم نشر فرهنگ نو تهران ۱۳۹۶. باید امیدوار بود که جناب آقای دکتر جان گرنی پژوهش همه‌جانبه خویش را درباره زندگی و زمانه و آثار براون به زودی منتشر کنند. از طریق براون و تحلیل او درباره وضع شعر فارسی در دوره صفویه بود که یکی از مشهورات صفویه‌شناسی در موضوع انحطاط شعر فارسی در این دوره رواج یافت. مشهوری که هنوز به درستی ارزیابی نشده است.
- در جهان ایران‌شناسی آلمانی برای نمونه می‌توان از والتر هینتس یاد کرد. او هم‌زمان یعنی در دوره فعالیت حرفه‌ای خود، هم *تاریخ عیلام* عهد باستان را نوشت و هم کتاب *تشکیل دولت ملی در ایران* را که پژوهشی درباره روی کار آمدن صفویان بود.
- ولادیمیر مینورسکی دیپلماتی پرورش یافته در محیط روسیه تزاری بود که در آغاز او را باید بخشی از فعالیت شرق شناسی روسی تزاری ارزیابی کرد. پس از روی کار آمدن بلشویکها در روسیه و ادامه ناسیونالیسم روسی در چهره جدید، او ترجیح داد مهارت شرق شناسی خویش را در اروپا و در فضای دانشگاهی بریتانیا به کار برد. حوزه‌های علاقه او متعدد و آثار پژوهشی او از شرح و تعلیق بر کتابی درباره سازمان اداری ایران عهد صفوی تا عرصه‌های متنوع دیگر تاریخ ایران و قفقاز کشیده می‌شد. برای فهرستی از علایق او نگاه به: گودرز رشتیانی، ناهید عبدالتاجدینی، *فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی*، چاپ یکم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۴. شرح و تعلیقات مینورسکی بر *تذکره الملوک*، پژوهشی راهگشا درباره تحقیق در تاریخ اداری ایران عهد صفویه بود. با این همه نادرستی‌هایی که در این چاپ از کتاب یادشده آمده بخشی دیگر از روایت‌های متزلزل و مشهور صفویه‌شناسی را شکل داده است.
- این جنبه عمومی در چاپ اول *Encyclopaedia of Islam* هم دیده می‌شود. چاپ کنونی و سوم آن رویکردی امروزی و تخصصی دارد.
۱۹. درباره این موضوع یک بررسی راهگشا انجام یافته است. نگاه کنید به: عبدالهادی حائری، *نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، چاپ یکم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷. صورت اولیه چنین رویکرد پژوهشی را می‌توان در بررسی لارنس لاکهارت در کتاب *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه* (ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی) دید. شاید پس از نخستین اظهار نظرهای سده نوزدهمی، روایت مشهور و نادرست سقوط اصفهان و توصیف چیرگی افغان‌ها بر این شهر به مثابه اشغال خارجی، در همین بررسی لاکهارت مطرح شده است. در سال‌های اخیر و پس از فعالیت صفویه‌شناسان و برگزاری چند سمینار پیرامون ایران عصر صفوی که به صورت همایش‌های منظم و با عنوان *Safavid Round Table* انجام یافت به این موضوع توجه بیشتری شد.

- برگزاری کنفرانسی درباره ایران و جهان در عهد صفویه *Iran and the World in the Safavid Era* گامی اساسی درباره بررسی روابط ایران با دیگران در دروژگار صفویه بود.
۲۰. مجموعه اسناد وظایف در آرشیو آستان قدس رضوی یکی از بهترین نمونه‌ها در این زمینه است.
۲۱. تحقیقات با ارزش ویلم فلور و رودی متی در همین ضمن قابل بررسی می‌شوند.
۲۲. در سال‌های اخیر شمار قابل توجهی از این نوع از منابع توسط دکتر رسول جعفریان شناسایی، تصحیح و به شیوه‌های مختلف نشر یافته و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است. برای تازه‌ترین مجموعه از این منابع نگاه کنید به:
- رسول جعفریان، کلک و کتاب (شامل ۳۷۹ مقاله کوتاه تاریخی و یادداشت سیاسی و اجتماعی)، دفتر سوم، چاپ اول نشر مورخ، قم، ۱۳۹۶.
۲۳. مالک و زارع در *ایران* یک بررسی عمومی درباره نظام تولید کشاورزی و زمین‌داری در ایران است. با اینکه بخش‌هایی از آن هنوز سودمند است اما با توجه به میزان قابل توجهی از اسناد این موضوع شامل اسناد زمین‌داری صفوی در قفقاز در شروان، ارمنستان و گرجستان و نیز اسناد موجود در آرشیوها و مکتوبات غیرآرشیوی، به نظر می‌آید اکنون دیدگاه‌های مطرح شده در این کتاب نیاز به بازبینی دارند. از جمله این موضوعات می‌توان به دیدگاه لمبتون درباره زمین‌های وقفی در دوره نادر شاه افشار اشاره کرد. اکنون و بر اساس مدارک نویافته همه بررسی لمبتون در این موضوع متزلزل به نظر می‌آید. اما از آن مهم‌تر انجام بررسی‌های جدید در این موضوع است.
۲۴. بررسی‌های پتروشفسکی شامل تحقیقاتی درباره کشاورزی و زمین‌داری از دوره مغول به بعد می‌شوند. بخشی از پژوهش او درباره زمین‌داری در قفقاز به سده‌های بعدی به‌ویژه سده هجدهم/دوازدهم مربوط می‌شود. بخش اعظم قفقاز در این سده هنوز ایرانی بود.
۲۵. برای یک بررسی درباره ملاحظات انتقادی مربوط به زمین‌های وقفی این دوران نگاه کنید به: منصور صفت‌گل، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، چاپ یکم رسا تهران، ۱۳۸۱.
۲۶. در حال حاضر دو پژوهش در این موضوع در ایران انجام یافته و می‌یابد. دکتر سعید میرمحمد صادق رساله دکتری خویش را درباره تاریخ روستایی ایران عهد صفویه نوشته است. یک رساله دکتری دیگر در دانشگاه تربیت مدرس درباره روستاهای ایران دوره صفوی در حال انجام است.
۲۷. برای پژوهشی به نسبت تازه در این موضوع نگاه کنید به:
- Acta Iranica: Portugal, The Persian Gulf and Safavid Persia, Edited by Rudi Matthee and Jorge Flores. [Leuven]: Peeters, in association with the Iran Heritage Foundation and the Freer Gallery of Art & Arthur M. Sackler Gallery, Smithsonian Institution, 2011.
۲۸. پرکارترین و موثرترین پژوهشگر ایرانی مطالعات خلیج فارس دکتر محمدباقر وثوقی است. آثار ایشان درباره تاریخ خلیج فارس مرجعی اساسی برای هر پژوهشی در این حوزه است.
۲۹. برای بحثی مهم درباره بازتاب آن در شعر معاصر فارسی، نگاه کنید به: محمدرضا شفیعی کدکنی، *با چراغ و آیین، در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*، چاپ یکم، سخن تهران، ۱۳۹۰. دکتر شفیعی کدکنی قبلاً در مقاله «تلقی قدما از وطن» بررسی ارزشمندی درباره این موضوع انجام داده‌اند. در این بررسی «قومیت» پدیده-ای معاصر ارزیابی شده که ریشه‌ای در تلقی قدما در ایران نداشته است.
۳۰. روبن گالیچیان (قالیچیان) در کتاب *برخورد تواریخ در جنوب قفقاز، بازنگاری نقشه‌های آذربایجان، ارمنستان و ایران*، (ترجمه پروین دانشور، نشر ثالث، تهران) نمونه‌هایی از جعل تاریخ بر مبنای گرایش‌های تازه سیاسی در قفقاز را بررسی کرده است.

منابع

- آقاجری، هاشم، «پژوهش‌های مورخان شوروی درباره علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان» *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ویژه مطالعات صفوی*، سال چهارم، شماره اول و دوم، ۱۳۷۹.
- اسکندر بیگ ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۸۲.

- افشار، ایرج، «گمشده‌های تاریخ صفویه در نامه‌های گمشده»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا ویژه مطالعات صفوی*، سال ۶، شماره ۸-۹، ۱۳۸۲.
- پیپترو دلواله، *سفرنامه پیپترو دلواله*، ترجمه محمود بهفروزی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۰.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه» کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا، ویژه مطالعات صفوی*، سال ۶، شماره ۱۰-۱۱، ۱۳۸۲.
- حسن جابری انصاری، *تاریخ اصفهان و ری*، به اهتمام حسین عمادزاده، ۱۳۲۲.
- خوزانی‌اصفهانی، فضل، *افضل التواریخ*، جلد سوم، نسخه خطی شماره Ms.DD.5.6 کتابخانه دانشگاه کیمبریج،
- سومر، فاروق، *نقش ترکان آناتولی در روی کار آمدن صفویان*، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، گستره، ۱۳۷۱.
- صالحی، نصرالله، «نگاره‌های شجاعت‌نامه به مثابه تاریخ مصور جنگ‌های ایران و عثمانی در قفقاز (۹۸۶-۹۹۳ق)»، *نامه فرهنگستان*، سال ۱۹، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- صفت‌گل، منصور، «الگوی نوین سیاست خارجی ایران در استانه دوره آغازین تجدید: نظم نوین منطقه‌ای صفوی و نظام جهانی»، *مجموعه مقالات سومین همایش تاریخ روابط خارجی ایران*، به کوشش سید محمد سجادی‌پور، ۱۴۰۰.
- صفت‌گل، منصور، «قلمرو بزرگتر، همسایگان رقیبان محدودتر: بازسازی ایران با پیوستگی و گستردگی دیپلوماسی منطقه‌ای در گذار از صفویان به افشاریان»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش تاریخ روابط خارجی ایران*، به کوشش محمد سجادی‌پور، تهران، ۱۴۰۰.
- صفت‌گل، منصور، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری*، رسا تهران، ۳-۵۵، ۱۳۸۱.
- عبدالحسین سپنتا، *تاریخچه اوقاف اصفهان*، انتشارات اداره کل اوقاف اصفهان، اصفهان، ۱۳۴۶.
- محمدباقر وثوقی و منصور صفت‌گل، *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*، جلد سوم، چاپ یکم، انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
- ملکم، جان، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، ۱۳۶۲.
- منصور صفت‌گل ابا همکاری نوبوآکی کندو، *پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر (صفویان، اوزبکان و امارت بخارا) همراه با گزیده مکتوبات*، چاپ یکم موسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، توکیو ۲۰۰۵/۱۳۸۵.
- Mansur Sefatgol, "Majmuahha: Important and Unknown sources of historiography of Iran during the the last Safavids- the case of Majmuaha -I Mirza Muina", in *Persian Documents, Social history of Iran and Turan in the fifteenth and nineteenth centuries*, edited by Kondo Nobuaki, RoutledgeCurzon, 2003.
- Mirza Mohammad Rafi` Ansari, *Dastur al-Moluk, A complete Edition of the Safavid manual of Administration*. Ed.by Nobuaki Kondo, Research Institute for Advanced Studies on Asia and Africa(ILCAA), Tokyo 2018.